

تحلیل نظام‌مند عوامل مؤثر بر طلاق در خانواده (مطالعه موردی: شیراز)

تأیید: 1404/08/29

دریافت: 1404/02/20

فاطمه بیتا^{۱*}مریم یزدانی^۲حمید مقامی^۳**چکیده**

افزایش نرخ طلاق در دهه‌های اخیر، آن را به یکی از مهم‌ترین چالش‌های نهاد خانواده در جامعه تبدیل کرده است. هدف پژوهش حاضر، مرور سیستماتیک تحقیقات انجام گرفته درباره طلاق و شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر وقوع آن است که به دلیل گستردگی جامعه آماری و به دست آوردن نتایج مفید، این پژوهش به شهر شیراز اختصاص یافت. روش پژوهش، مرور سیستماتیک مطالعات ثبت شده در پایگاه‌های اطلاعاتی علمی بوده است که با استفاده از کلیدواژه‌های «طلاق» و «شیراز» جست‌وجو انجام شد. در مرحله نخست، ۸۷ پژوهش شناسایی گردید که پس از حذف موارد تکراری و مطالعات فاقد ارتباط مستقیم با موضوع، در نهایت، ۲۴ مقاله و پایان‌نامه واجد شرایط برای تحلیل نهایی انتخاب شد.

عوامل مؤثر بر طلاق در شیراز را می‌توان در عناوین کلی «عوامل فردی - شخصیتی، ارتباطی - زوجی، جمعیت‌شناختی، اجتماعی - فرهنگی، خانوادگی و اقتصادی» طبقه‌بندی کرد که عوامل ارتباطی زوجین و ویژگی‌های فردی - شخصیتی، بیشترین نقش را به‌عنوان عوامل مستعدساز طلاق ایفا می‌کنند. همچنین مسائل جنسی و مشکلات سلامت روان، بالاترین فراوانی را در میان متغیرهای مرتبط با طلاق به خود اختصاص داده‌اند. ضعف مهارت‌های زندگی، فقدان شناخت پیش از ازدواج، ازدواج‌های ناهمسان، دخالت اطرافیان و تغییر ارزش‌های اجتماعی نیز به ترتیب، بیشترین فراوانی را در عوامل طلاق و گرایش به آن در پژوهش‌های بررسی شده، نشان دادند.

نتایج این مرور سیستماتیک نشان می‌دهد که تمرکز بر اصلاح عوامل فردی و ارتقای کیفیت روابط زوجین، می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از طلاق و کاهش آن داشته باشد و زمینه‌ساز سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، آموزشی و دینی مؤثر در حوزه خانواده گردد.

واژگان کلیدی: طلاق، خانواده، مرور سیستماتیک، عوامل فردی - شخصیتی، عوامل ارتباطی - زوجی، عوامل اجتماعی - فرهنگی، عوامل خانوادگی.

1. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، پژوهشگر اندیشگاه مطالعات فلسفه و سبک زندگی:

bita.fateme@yahoo.com

2. کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی، پژوهشگر اندیشگاه مطالعات فلسفه و سبک زندگی:

myz19851985@gmail.com

3. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان: maghamh8@gmail.com

1. مقدمه

شاخص طلاق در دهه ۸۰ نشان می‌دهد که به‌طور میانگین در استان فارس، به ازای هر هزار زن متأهل، 3/60 درصد طلاق روی داده است و این شاخص با روندی افزایشی تا سال ۱۳۹۳ به 6/37 درصد طلاق به ازای هر هزار زن متأهل رسیده است. گرچه در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ این شاخص کاهش یافته، اما در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ مجدداً روندی افزایشی به خود گرفته است. البته روند شاخص‌های کمی طلاق در همه شهرستان‌های استان فارس یکسان نبوده و برخی شهرستان‌ها در طول سال‌های بررسی‌شده، به‌طور میانگین، شاخص طلاق بالاتری تجربه کرده‌اند. افزایش طلاق، هرچند به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی قابل انکار نیست، اما پدیده‌ای بحران‌گونه تلقی نمی‌شود؛ چراکه طلاق را باید در بستر دگرگونی‌های گسترده فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مورد تحلیل قرار داد (مؤمنی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱).

هم‌زمان با افزایش میزان طلاق و پیچیده‌تر شدن پیامدهای منفی آن برای افراد و جامعه، شاهد رشد قابل توجه پژوهش‌ها در حوزه آسیب‌های اجتماعی، بویژه طلاق بوده‌ایم (صدیق سروسستانی، ۱۳۷۹، ص ۶۸).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عواملی همچون اعتیاد، خیانت، خشونت و تعارض شدید با خانواده همسر (بویژه درگیری فیزیکی) می‌تواند متقاضیان طلاق را به اقدام عملی برای پایان دادن به رابطه زناشویی سوق دهد (محسن‌زاده، نظری و عارفی، ۱۳۹۰، ص ۷). افزون بر این، اختلالات رفتاری، شکل‌گیری نهادها و ارزش‌های جدید، حمایت نهادی، عدم شناخت پیش از ازدواج، ضعف اقتصادی و تفاوت‌های فرهنگی - طبقاتی زوجین از دیگر عوامل مؤثر بر وقوع طلاق در زندگی زناشویی معرفی شده‌اند (برجوند، شیرمحمدی و قریشی، ۱۳۹۳، ص ۱۹).

پیامدهای طلاق، محدود به فروپاشی رابطه زناشویی نیست و می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان، مشکلات متعددی را برای زنان و مردان جدا شده، در سطح جامعه و روابط اجتماعی آنان ایجاد کند (حسنی، قدرتی و امیرپور، ۱۳۹۳، ص ۴۷). گرچه

آثار منفی طلاق، هر دو جنس را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما زنان در مقایسه با مردان، آسیب‌پذیری بیشتری را تجربه می‌کنند؛ بویژه در ابعاد اقتصادی، ارتباطی و اجتماعی. پیامدهای منفی طلاق، نه تنها متوجه زنان، بلکه متوجه خانواده، فرزندان و در نهایت، کل جامعه است (صادقی فسایی و ایثاری، 1391، ص 5).

نگرانی درباره فرزندان، بی‌اعتمادی اجتماعی، احساس تنهایی و پیشنهادهاى مرتبط با روابط فراازدواجی، از جمله چالش‌هایی است که زنان مطلقه با آن مواجه می‌شوند (حسنی و همکاران، 1393، ص 33). همچنین زنان مطلقه در معرض مسائلی نظیر نگاه حقارت‌آمیز اجتماعی، احساس ناامنی، محرومیت عاطفی و اقتصادی، وابستگی مالی به خانواده، افسردگی، اضطراب و پرخاشگری در سطح بالایی قرار دارند (کرد زنگنه و قاسمی اردهاری، 1402، ص 363). برخی پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند که طلاق، علاوه بر آسیب به سرمایه انسانی و اقتصادی جامعه، می‌تواند مانعی جدی در مسیر نقش‌آفرینی زنان در فرآیند توسعه ایجاد کرده و به حاشیه‌رانی و استثمار آنان بینجامد (کلانتری، روشن‌فکر و جواهری، 1390، ص 111).

2. پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی در زمینه طلاق در شیراز انجام شده است که عمدتاً به صورت پایان‌نامه‌های تحصیلی و برخی مقالات علمی - پژوهشی منتشر شده‌اند. بررسی این مطالعات نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌ها بر عوامل فردی و زوجی طلاق تمرکز داشته و به عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، کمتر پرداخته شده است. این پراکندگی و محدودیت پوشش موضوعی، ضرورت انجام یک مرور سیستماتیک برای ارائه تصویری جامع و منسجم از عوامل مؤثر بر طلاق در شیراز را روشن می‌سازد.

با وجود حجم قابل توجه پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های انجام‌شده در حوزه طلاق، این مطالعات، غالباً به صورت پراکنده و غیرتجمیعی ارائه شده‌اند. به نظر می‌رسد که انجام یک مرور سیستماتیک بتواند نتایج این تحقیقات را به شکلی منسجم، علمی و قابل استفاده، در اختیار پژوهشگران، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه خانواده

قرار دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تا کنون پژوهشی با رویکرد مرور سیستماتیک درباره طلاق در شهر شیراز انجام نشده است؛ بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که طبقه‌بندی و دسته‌بندی پژوهش‌های انجام‌شده درباره طلاق در شیراز چگونه است و مهم‌ترین عوامل مؤثر بر طلاق در این پژوهش‌ها کدامند؟

3. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مرور سیستماتیک اسناد و مطالعات علمی است که با هدف شناسایی و تحلیل کمی پژوهش‌های انجام‌شده درباره طلاق انجام شده است. در این روش می‌توان نتایج مطالعات گذشته را در چارچوبی منسجم و علمی ترکیب کرده و به داده‌های جدیدی دست یافت که می‌تواند در غنی‌سازی محتوای آموزشی و اصلاح سیاست‌های خانواده و فرهنگ‌سازی مؤثر باشد (اسماعیل‌زاده، بقایی و عمیدی، 1393، ص 6). هدف اصلی این مطالعه، بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه طلاق و دسته‌بندی عوامل مؤثر بر آن است.

جامعه آماری پژوهش شامل پایان‌نامه‌های تحصیلی و مقالات علمی - پژوهشی منتشرشده از سال 1389 تا کنون است. داده‌ها با توجه به موضوع، روش‌شناسی و اعتبار علمی مطالعات دسته‌بندی و مورد تحلیل قرار گرفتند.

در مرحله نخست، جست‌وجو با استفاده از کلیدواژه‌های «طلاق» و «شیراز» در قالب پایان‌نامه‌ها، مقالات علمی - پژوهشی و ترویجی انجام شد و پایگاه‌های اطلاعاتی مورد بررسی شامل موارد زیر است:

- مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی: 9 مقاله
 - پایگاه مجلات تخصصی نور: 9 مقاله
 - بانک اطلاعات نشریات کشور: 21 مقاله
 - پرتال جامع علوم انسانی: 14 مقاله
 - ایران داک، پایان‌نامه‌ها: 83 پژوهش
- در مجموع، 136 پژوهش شناسایی شد که پس از اعمال معیارهای حذف، شامل موارد زیر است:
- مقالات تکراری: 8 مقاله
 - مقالات اثربخشی و مداخله‌ای: 13 مقاله

- مقالات مرتبط با طلاق کودکان: 19 مقاله
 - مقالات مرتبط با پیامدهای طلاق: 4 مقاله
 - مقالات طلاق عاطفی: 35 مقاله
 - مطالعات غیرمرتبط با هدف پژوهش: 33 مقاله
- در نهایت، 24 پژوهش برای تحلیل نهایی واجد شرایط قرار گرفتند. بیشتر پژوهش‌های انتخاب‌شده، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری بودند و برخی از آنها دسترسی به کل متن پایان‌نامه امکان‌پذیر نبود.
- حداقل شرایط علمی لازم برای مرور سیستماتیک، شامل بررسی علل و متغیرهای مرتبط با طلاق، روش پژوهش و نمونه‌گیری مناسب بود و پژوهش‌های واجد این شرایط گزینش شدند. داده‌های استخراج‌شده از مطالعات منتخب، برای طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر طلاق و تحلیل سیستماتیک آنها مورد استفاده قرار گرفتند.

جدول 1: خلاصه مقالات و پژوهش‌ها درباره علل و عوامل مرتبط با طلاق

ردیف	نویسندگان (سال)	روش تحقیق	علل مطرح شده به عنوان پیش‌بینی‌کننده در طلاق
1	برزنده (1403)	روش: پیمایشی نمونه: ۳۳۱ زوج متقاضی طلاق ابزار: پرسشنامه عوامل بروز طلاق، عاطفه مثبت و منفی و سبک زندگی اسلامی	نتایج نشان داد که متغیر عاطفه مثبت به صورت منفی و متغیر عاطفه منفی به صورت مثبت قادر گردیدند متغیر بروز طلاق در زوج‌های جوان را پیش‌بینی کنند. براساس متغیر سبک زندگی اسلامی، مؤلفه‌های (اجتماعی، باورها، عبادی، اخلاق، مالی، خانواده، امنیتی دفاعی، زمان‌شناسی) قادر گردیدند به صورت منفی متغیر بروز طلاق در زوج‌های جوان را پیش‌بینی کنند.
2	جهانیان (1403)	روش: پیمایشی نمونه: ۱۴۰ زن متأهل ابزار: طلاق روزلت، جانشین و مورو، پرسشنامه ترومای دوران کودکی برنستاین و همکاران، پرسشنامه باورهای غیرمنطقی جونز	آسیب‌های دوران کودکی گرایش به طلاق را به‌صورت معنادار پیش‌بینی می‌کند. همچنین نتایج نشان داد که مؤلفه‌های سوء استفاده جنسی و غفلت عاطفی، گرایش به طلاق را به‌صورت معنادار پیش‌بینی می‌کند و مؤلفه‌های درماندگی در برابر تغییر، بی‌مسئولیتی هیجانی، گرایش به طلاق را به‌صورت معنادار پیش‌بینی می‌کند.
3	حسامی	روش: علی مقایسه‌ای	ترس از صمیمیت، تفکر قطعی‌نگر و

ردیف	نویسندگان (سال)	روش تحقیق	علل مطرح شده به عنوان پیش‌بینی‌کننده در طلاق
	(1402)	نمونه: ۶۰ زن متقاضی طلاق و ۶۰ زن عادی ابزار: ترس از صمیمیت، تفکر قطعی‌نگر و کارکرد خانواده مک‌مستر	کارکرد خانواده در زنان متقاضی طلاق به‌طور معناداری نسبت به زنان عادی بالاتر بود.
4	حسینی (1402)	روش: پیمایشی نمونه: ۱۵ متخصص ابزار: پرسشنامه محقق‌ساخته	از عوامل مؤثر بر طلاق سطح اول: دخالت اطرافیان، ضرب و شتم، بیماری، بیکاری، فقر، دروغ‌گویی، همسر، ناباروری، اختلافات تحصیلی، عدم استقلال زوجین و تفاوت‌های فرهنگی و اعتقادی؛ سطح دوم: ازدواج اجباری و عدم تفاهم اخلاقی؛ سطح سوم: اعتیاد؛ سطح چهارم: عدم اعتماد به یکدیگر می‌باشد.
5	قائدی (1401)	روش: پیمایشی نمونه: ۲۱۳ زوج متقاضی طلاق ابزار: میل به طلاق، سرخوردگی زناشویی، تمایز یافتگی خود، رضایت جنسی و ذهن‌آگاهی	سرخوردگی زناشویی، تمایز یافتگی خود، رضایت جنسی و ذهن‌آگاهی در پیش‌بینی گرایش به طلاق سهیم هستند و بیشترین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی به ترتیب متعلق به متغیر سرخوردگی زناشویی، رضایت جنسی، ذهن‌آگاهی و تمایز یافتگی خود است.
6	توکلیان (1400)	روش: علی‌مقایسه‌ای نمونه: ۵۲ زن متقاضی طلاق و ۵۲ زن عادی ابزار: کیفیت رابطه زناشویی، احقاق جنسی و بدکاری جنسی	نتایج، نشان دهنده آن است که بین کیفیت رابطه زناشویی، بدکاری جنسی و احقاق جنسی در زنان متقاضی طلاق و عادی، تفاوت معنادار وجود دارد.
7	کشتکار (1400)	روش: علی‌مقایسه‌ای نمونه: ۱۰۰ زن متقاضی طلاق و ۱۰۰ زن عادی ابزار: کیفیت روابط زناشویی گلوبال - راست، صمیمیت زوجین استقامت و نودن بروک و هانس برتن و عملکرد جنسی روزن، برون، هیمن	نتایج، نشان دهنده آن است که کیفیت رابطه زناشویی و ابعاد آن در زنان عادی نسبت به زنان متقاضی طلاق، بیشتر است و صمیمیت زوجین و ابعاد آن در زنان عادی نسبت به زنان متقاضی طلاق، بیشتر است و در نهایت، کژکاری جنسی و ابعاد آن در زنان عادی نسبت به زنان متقاضی طلاق پایین‌تر است.
8	امینی (1399)	روش: پیمایشی نمونه: ۲۰۰ نفر از خانواده ابزار: تاب‌آوری	تاب‌آوری خانواده، اثر مستقیم و منفی بر گرایش به طلاق و معنای زندگی، اثر منفی بر گرایش به طلاق دارد. نتایج

ردیف	نویسندگان (سال)	روش تحقیق	علل مطرح شده به عنوان پیش‌بینی‌کننده در طلاق
		خانواده سیکسی، معنای زندگی استایگر و گرایش به طلاق کینایرد و جرارد	تحلیل نشان می‌دهد که معنای زندگی نقش واسطه‌ای بین تاب‌آوری خانواده و گرایش به طلاق دارد.
9	عباسی، درگاهی، قاسمی جوبنه (1397)	روش: پیمایشی نمونه: ۱۰۰ زن متقاضی طلاق ابزار: مقیاس نارسایی شناختی و نارسایی هیجانی و تعارضات زناشویی	نارسایی‌های شناختی و هیجانی می‌تواند یکی از دلایل تعارضات زناشویی در زنان در معرض طلاق باشد.
10	کرمی و البرزی (1397)	روش: پیمایشی نمونه: ۳۸۰ زن و مرد ابزار: محقق‌ساخته	به ترتیب، تصور مثبت از طلاق، رضایت جنسی و عاطفی، دخالت اطرافیان و جنسیت (زن بودن)، بیشترین تأثیر را بر گرایش به طلاق داشته‌اند. متغیرهای همسان همسری، انتظارات برآورده نشده، مدت ازدواج، سن، تحصیلات پاسخگو و همسر، تعداد فرزند و درآمد همسر تأثیر معناداری بر گرایش به طلاق نداشته است.
11	سیفی فارسی (1396)	روش: پیمایشی نمونه: ۳۲۹ زن مطلقه و همسر دار ابزار: پرسشنامه محقق‌ساخته	متغیرهای سن ازدواج، نقش و دخالت اطرافیان در تعیین مهریه، بهره‌مندی از رسانه‌ها، پابندی دینی و نگرش موافق به طلاق هم بر بهای مهریه و هم بر طلاق تأثیر مثبت دارد.
12	فلک بلند (1396)	روش: علی مقایسه‌ای نمونه: ۹۰ زن متقاضی طلاق و ۹۰ عادی ابزار: تحریف‌های شناختی، پرسشنامه سبک‌های مقابله‌ای لازاروس و بهزیستی روان‌شناختی ریف	گروه زنان مطلقه نمرات بالاتری در تحریف‌های شناختی کسب کردند. سبک هیجان‌مدار در گروه زنان در حال طلاق به‌طور معناداری بیشتر از گروه زنان عادی بود.
13	پالایش (1396)	روش: علی مقایسه‌ای نمونه: ۶۰ زوج متقاضی طلاق و ۶۰ عادی ابزار: رضایت	زوجین متقاضی طلاق بیانگری هیجانی منفی بیشتر دارند. زوجین متقاضی طلاق بیشتر از سبک مسلط استفاده می‌کنند.

ردیف	نویسندگان (سال)	روش تحقیق	علل مطرح شده به عنوان پیش‌بینی‌کننده در طلاق
		زناشویی ابن‌ریح فرم کوتاه، بیانگری هیجانی خانواده و سبک‌های حل تعارض رحیم	
14	قصر فخری (1396)	روش: علی مقایسه‌ای نمونه: ۴۰ زوج متقاضی طلاق و ۴۰ زوج عادی ابزار: تحریفات شناختی اهواز، حل مسئله هپنر و خودابرازی آلبرتی و امونز	تحریفات شناختی در زوجین متقاضی طلاق بیشتر از زوجین عادی می‌باشد. مهارت حل مسئله در زوجین عادی بیشتر از زوجین متقاضی طلاق می‌باشد. بین باور سلطه‌پذیری در زوجین عادی و متقاضی طلاق، تفاوت معناداری وجود دارد و رفتار سلطه‌پذیری زوجین متقاضی طلاق بالاتر از زوجین عادی می‌باشد.
15	شیروانی (1395)	روش: پیمایشی نمونه: ۱۲۰ زوج متقاضی طلاق، ابزار: نقش جنسیتی بم و شاخص ناپایداری اندواردز	طرحواره‌های جنسیتی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در زمینه گرایش به طلاق یا بالا رفتن آمار طلاق مؤثر هستند.
16	ابراهیمی‌منش (1395)	روش: کیفی نمونه: ۴۰ زن متقاضی طلاق ابزار: مصاحبه عمیق	نرسیدن به بلوغ روانی - عاطفی- فکری در زندگی فردی و اجتماعی به عنوان بستر، «ابهام در منطق زندگی زناشویی» به عنوان عامل مداخله‌گر و مقولات «ناکارآمدی الگوی ارتباطی»، «کیفیت نامطلوب سرمایه اجتماعی» و «نظام ناکارآمد مدیریت حل تعارض» به عنوان عوامل علی و «فقدان مهارت- های بنیادین و بیگانگی از ماهیت ازدواج و زندگی زناشویی» به عنوان مفوله هسته نهایی پدیدار گردید.
17	بخشی زنجیرانی (1395)	روش: کیفی نمونه: ۲۰ زن متقاضی طلاق و ۲۰ زن عادی ابزار: مصاحبه عمیق	مهم‌ترین عوامل زمینه‌ای به صورت کلی، مهارت‌های زندگی، تعامل والدین، انگیزه‌های ازدواج در نظر گرفته شده و هنجارهای خانواده، ازدواج ناهمسان و تعهدات اخلاقی-دینی نیز عوامل علی را شامل شده است.
18	کدخدایی (1394)	روش: علی مقایسه‌ای نمونه: ۱۰۰ زوج	یافته‌ها نشان داد بین زوجین گروه‌های متقاضی طلاق و عادی از لحاظ

ردیف	نویسندگان (سال)	روش تحقیق	علل مطرح شده به عنوان پیش‌بینی‌کننده در طلاق
		متقاضی طلاق و ۱۰۰ زوج عادی ابزار: پرسشنامه تحریف‌های شناختی و پرسشنامه الگوهای ارتباطی	الگوهای ارتباطی سازنده متقابل و الگوی ارتباطی توقع کنارگیری از نظر آماری تفاوت معناداری وجود دارد و بین دو گروه در ابعاد تحریف‌های شناختی تفاوت معناداری مشاهده گردید.
19	آقایی (1394)	روش: کیفی نمونه: مردان و زنان ابزار: مصاحبه عمیق	یافته‌های به‌دست‌آمده شامل دوازده مقوله هستند: سن پایین ازدواج و فاصله سنی زوجین، عدم شناخت قبل از ازدواج، ضعف مالی، تفاوت‌های فرهنگی زوجین، اعتیاد، خشونت خانوادگی، مشکلات جنسی و خیانت همسر، دخالت خانواده، سابقه طلاق در میان زوجین و بستگان، گرایش به ارزش‌های نو، حمایت خانواده، به خطر افتادن سلامت افراد. مقوله هسته طلاق آسان‌تر نتیجه نامتناسب بودن مبادله اجتماعی در ازدواج و تغییر ارزش‌های اجتماعی و تغییر رویکرد نسبت به طلاق که سایر مقولات را دربرمی‌گیرد. بر همین اساس، می‌توان گفت که تغییر ارزش‌های اجتماعی و تغییر رویکرد موجب تسهیل شدن فرایند طلاق و عادی جلوه داده شدن آن است.
20	شمس (1393)	روش: علی‌مقایسه‌ای نمونه: ۷۵ زن متقاضی طلاق و ۷۵ زن عادی ابزار: نارسایی هیجانی (الکسی تایمیا تورنتو) و کمال‌گرایی فراست و سبک‌های دفاعی اندروز و همکاران	نتایج نشان داد که بین نارسایی هیجانی و کمال‌گرایی در زنان متقاضی طلاق و متعارض عادی تفاوت معناداری وجود دارد. زنان متقاضی طلاق سبک دفاعی روان‌آزرده و سبک دفاعی رشد نایافته بیشتری دارند.
21	قنبری (1393)	روش: پیمایشی نمونه: ۱۱۵ نفر متقاضی طلاق و ۱۱۹ فرد عادی ابزار: شخصیت‌نئو و مهارت ارتباطی	در تمامی مؤلفه‌ها پژوهش برون‌گرایی و باز بودن در برابر تجربه و مهارت ارتباطی تفاوت معناداری بین افراد متقاضی طلاق و عادی وجود دارد.
22	لهسایی زاده،	روش: پیمایشی	تأثیر متغیرهای ذیل را در تصمیم زن به

ردیف	نویسندگان (سال)	روش تحقیق	علل مطرح شده به عنوان پیش‌بینی‌کننده در طلاق
	احمدی و ثروت خواه (1391)	نمونه: ۲۴۰ زن متقاضی طلاق و ۲۴۰ زن عادی ابزار: محقق ساخته	طلاق نشان داد: وضعیت اشتغال زن، قومیت زن، تشابه قومیتی زوجین، ساخت بازاری ازدواج، تشابه محل سکونت پدر زوجین و اعتیاد شوهر. تحلیل رگرسیون لجستیک نیز نشان داد که سن زن با تصمیم وی به طلاق ارتباط دارد.
23	خیاط غیائی، معین و روستا (1389)	روش: پیمایشی نمونه: ۳۵۳ زن ابزار: محقق ساخته	متغیرهای اختلاف تحصیلی زوجین، اختلاف سن زوجین، تحصیلات زن و سن ازدواج با گرایش زنان به طلاق رابطه‌ای معنادار و مستقیم دارند و متغیرهای مدت زندگی مشترک و تعداد فرزندان با گرایش به طلاق زنان رابطه‌ای معنادار و معکوس دارند. متغیرهای برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری، خشونت شوهر، عدم صداقت همسر و عدم مشورت در امور زندگی با میزان گرایش زنان به طلاق رابطه معنادار دارند.
24	عزیزی (1389)	روش: پیمایشی نمونه: ۲۰۰ زن متقاضی طلاق و ۲۰۰ زن عادی ابزار: رضایتمندی جنسی	رضایتمندی جنسی زنان بر میزان تعارضات بین همسران و گرایش

4. قلمرو رشته‌ای آثار علمی

چون موضوع طلاق و ابعاد مرتبط با آن می‌تواند تحت تأثیر متغیرهای بی‌شماری قرار گیرد، آثار موجود هم در حوزه‌های مختلف تدوین شده است و در بررسی پژوهش‌ها به تفکیک، توصیف ویژگی‌های متقاضیان طلاق و مطلقه، گرایش به طلاق، شاخص‌های ازدواج و طلاق، علل پیدایش طلاق (متغیرهای تأثیرگذار)،

پیامدهای طلاق، کودکان طلاق، تبیین مسئله طلاق، حقوق زوجین پس از طلاق نمایان شده است.

جدول 2: دسته‌بندی قلمرو رشته‌ای آثار علمی و ابعاد مورد بررسی طلاق در شیراز

ردیف	ابعاد زمینه‌ای بررسی طلاق	حوزه بررسی			فراوانی	درصد
		جامعه شناسی	روان شناسی	حقوقی و فقهی		
1	پیشگیری و اثربخشی برنامه‌های مداخله	0	13	0	13	10%
2	علل و متغیرهای مرتبط طلاق	5	18	1	24	19%
3	پیامدهای طلاق	2	1	1	4	3%
4	کودکان طلاق	1	17	1	19	15%
5	طلاق عاطفی	6	29	0	35	27%
6	سایر موارد	2	30	1	33	26%

با توجه به جدول، ماهیت چندوجهی مسئله طلاق دریافت می‌شود؛ زیرا این موضوع از دیدگاه جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، حقوق و فقه در شیراز مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است و البته خلأ مطالعات در زمینه سیاسی، اقتصادی و فلسفی در شیراز نیز احساس می‌شود. در زمینه قلمرو رشته‌ای، 84 درصد پژوهش‌های روان‌شناسی، 13 درصد مطالعات جامعه‌شناسی و 3 درصد مطالعات فقه و حقوق است.

نتایج بررسی حاکی از آن است که 27 درصد مطالعات انجام شده در زمینه طلاق،

درباره «طلاق عاطفی» و 26 درصد پژوهش‌ها درباره سایر موارد بوده که بیشتر شامل پژوهش‌های مرتبط با بعد از طلاق و توصیف افراد مطلقه بوده است. 19 درصد درباره علل و متغیرهای مربوط به طلاق یا «متغیرهای تأثیرگذار بر طلاق»

و 15 درصد درباره کودکان طلاق و 10 درصد درباره پیشگیری و اثربخشی برنامه‌های مداخله‌ای در کاهش طلاق. جالب است که مطالعات اندکی در مورد علل طلاق در شیراز انجام گرفته است و خلأ آن در کارهای پژوهشی وجود دارد.

روش تحقیق پژوهش‌ها در آثار مورد بررسی، معمولاً روش‌های متداول علمی بوده است، اما روش پژوهش غالب، روش پیمایشی و علی مقایسه‌ای بوده است. به بیان دیگر، روش میدانی، پرکاربردترین روش در بررسی طلاق بوده است. همچنین بیشترین شرکت کننده در این پژوهش‌ها خانم‌ها بوده‌اند که این سوگیری در تعمیم نتایج به آقایان را در برمی‌گیرد.

استفاده از روش کیفی در مقایسه با سایر روش‌های علمی، روشی عمیق‌تر در بررسی طلاق است که در پژوهش‌ها بسیار کم استفاده شده بود. با توجه به اینکه در پژوهش‌های مربوط به طلاق باید به خصوصی‌ترین حیطه‌های رابطه یک زوج دسترسی وجود داشته باشد، استفاده از روش‌های کیفی جهت درک واقعی‌تر مسئله و اعتبار بیشتر یافته‌های پژوهش‌ها ضروری می‌باشد (اسماعیل زاده، بقایی، عمیدی، 1393، ص 10).

در بررسی مبانی نظری پژوهش‌ها اکثراً به صورت شفاف به تئوری خاصی اشاره نکردند.

در پژوهش‌های طلاق، بیشتر از نظریه‌های مبادله، همسان‌همسری، شبکه‌ای، تصورات اجتماعی، توسعه خانواده، نظام‌ها، نقش‌ها و نظریه‌های آسیب‌شناسی خانواده: کارکردی دور کیم نام برده شده است.

5. بررسی متغیرهای تأثیرگذار بر طلاق در آثار بررسی شده

در بررسی پژوهش‌های انجام شده، متغیرهای زیادی بر طلاق مؤثرند که در یک جمع‌بندی کلی می‌توان آنها را در شش بعد: «عوامل جمعیت‌شناختی»، «فردی -

شخصیتی»، «ارتباطی - زوجی»، «خانوادگی»، «اجتماعی - فرهنگی» و «اقتصادی» دسته‌بندی کرد.

جدول زیر، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین متغیر طلاق در هر مطالعه را به تفکیک جایگاه آن متغیر در 6 ابعاد ذکر شده مورد مقایسه قرار داده است:

جدول 3: عوامل طلاق و گرایش به طلاق

نوع عامل طلاق	متغیرها	توضیحات	فراوانی	جمع درصدی
ارتباطی-زوجی	مسائل جنسی	شامل عدم رضایت جنسی، مشکلات و انحرافات جنسی، عدم صمیمیت جنسی	36	36%
	عدم مهارت زندگی	مهارت ارتباطی، حل مسئله، حل تعارض	5	
	عدم شناخت قبل از ازدواج و ازدواج ناهمسان	عدم شناخت قبل از ازدواج، عدم تشابه قومیتی، همولایتی بودن، عدم تشابه محل سکونت پدر زوجین، تفاوت فرهنگی	5	
	ویژگی همسر	خشونت شوهر، عدم صداقت همسر، عدم مشورت در امور زندگی	4	
		عدم رضایت عاطفی	3	
		اعتیاد شوهر	3	
		ناباروری	1	
		خیانت همسر	1	
		سرخورگی زناشویی	1	
		عدم اعتماد زناشویی	1	
	برآورده نشدن انتظارات	برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری	1	
فردی - شخصیتی	مسائل سلامت روانی	آسیب‌های دوران کودکی، نارسایی هیجانی، بیانگری هیجانی منفی، بی-مسئولیتی هیجانی و اختلال اضطراب اجتماعی	28	28%
	ویژگی شخصیتی	برونگرایی- درونگرایی و اشتیاق به تجارب تازه، درماندگی در برابر تغییر، کمال‌گرایی، عدم تمایز یافتگی خود، عدم اعتماد به نفس، عدم استقلال، ترس از صمیمیت	4	
	تحریف شناختی	انواع تحریف‌های شناختی و تفکر قطعی‌نگر	4	

نوع عامل طلاق	متغیرها	توضیحات	فراوانی	جمع درصدی
	مشکلات سلامت جسمی	بیماری‌های جسمی	2	
	عدم بلوغ	در ابعاد روانی، عاطفی، فکری در زندگی فردی و اجتماعی	1	
	ابهام در ماهیت ازدواج و زندگی مشترک		1	
	سبک دفاعی	سبک‌های دفاعی رشد نایافته و روان آزرده	1	
	طرحواره‌های جنسیتی		1	
	سبک حل تعارض	سبک حل تعارض مسلط	1	
	سبک مقابله‌ای	سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار	1	
	عدم ذهن‌آگاهی		1	
	رفتار سلطه-پذیری		1	
جمعیت شناختی	سن	سن پایین	13	%13
	تفاوت سنی	14-8 سال	2	
	تحصیلات	تحصیلات زن، اختلاف تحصیلات	2	
	جنسیت	زن بودن	1	
	وضعیت فرزند	تعداد فرزندان کمتر	1	
	مدت زندگی مشترک	مدت ازدواج کمتر	1	
خانوادگی	دخالت اطرافیان		10	%10
	ناهنجاری خانواده	ضعف در تعامل والدین، کارکرد مخدوش، عدم تاب‌آوری خانواده	3	
	عدم حمایت خانواده		1	
	سابقه طلاق در میان زوجین و بستگان		1	
اجتماعی-فرهنگی	تغییر ارزش‌های اجتماعی	تغییرات ارزشی و هنجاری، مانند تصور مثبت به طلاق، تنزل ازدواج از پیوندی مقدس به تعهد شخصی، اهمیت یافتن عشق رمانتیک، گرایش به ارزش نو، انگیزه‌های ازدواج و...	10	%10
	سبک زندگی غیراسلامی	عدم پایبندی به تعهدات اخلاقی و دینی در مؤلفه‌های اجتماعی، باورها، عبادی، اخلاق، مالی، خانواده، امنیتی	3	

نوع عامل طلاق	متغیرها	توضیحات	فراوانی	جمع درصدی
		- دفاعی، زمان‌شناسی		
	استفاده از رسانه		1	
	سرمایه اجتماعی نامطلوب	سرمایه اجتماعی، هر چیزی است که ناشی از شبکه روابط، اعتماد، حس عمل متقابل و هنجارهای اجتماعی است و موجب تسهیل فعالیت‌های فردی و اجتماعی می‌شود.	1	
اقتصادی	ضعف مالی	بیکاری فقر	4	4٪
	اشتغال زنان		1	

همان‌طور که مشاهده می‌شود، عوامل ارتباطی - زوجی و عوامل فردی - شخصیتی، بیشترین فراوانی را در پژوهش‌های انجام شده در شیراز در توصیف طلاق و گرایش به طلاق، به خود اختصاص داده است. از میان این عوامل، مسائل جنسی و سلامت روان، بیشترین فراوانی را دارد. عدم مهارت‌های زندگی، عدم شناخت قبل از ازدواج و ازدواج ناهمسان، دخالت اطرافیان و تغییر ارزش‌های اجتماعی نیز به ترتیب، بیشترین فراوانی را در عوامل طلاق و گرایش به آن در پژوهش‌ها نشان داده است.

6. یافته‌ها و نتیجه پژوهش

براساس یافته‌ها، روش پیمایشی و علی مقایسه‌ای در بررسی طلاق بیشتر استفاده شده است و جای تحقیقات کیفی برای بررسی علل طلاق در شیراز خالی است. توجه به این مسئله ضروری است که پژوهش‌ها به روش کیفی برای درک عمیق‌تر طلاق با توجه به روابط خصوصی زوجین نیازمند می‌باشد. به عبارت دیگر، پژوهشگران، کمتر این جسارت را به خود داده‌اند تا به دنبال علت‌های پنهان طلاق خارج از چارچوب‌های قبلی بگردند.

یافته‌های مرور سیستماتیک نشان داد که عوامل ارتباطی - زوجی و عوامل فردی - شخصیتی، بیشترین فراوانی را در پژوهش‌های انجام شده در شیراز در مورد توصیف طلاق و گرایش به طلاق، به خود اختصاص داده است. در فراتحلیل طلاق در ایران، روشنی تافته و خسروی (1398، ص 653) نیز همسو با این مرور سیستماتیک، نشان دادند که همسرگزینی نادرست، نقص دانش و مهارت همسران،

عملکرد نامطلوب همسران و شرایط اقتصادی نامطلوب، از عوامل طلاق در ایران هستند.

همچنین در فراتحلیل کاظمی‌پور و خوشنویس (1392، ص33) خصوصیات والدین، خصوصیات فردی، خصوصیات زوجین و نحوه تعامل بین آنها و دیدگاه‌ها و نگرش‌ها به ازدواج و طلاق را به عنوان عوامل طلاق در ایران معرفی کردند. مطالعه‌ای دیگر نشان داد که عوامل فردی (شخصی، شخصیتی، جمعیت‌شناختی و جسمی) و عوامل فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی، قانونی و موقعیتی در ایجاد طلاق نقش دارند. فرهنگ و عوامل شخصی و شخصیتی نشأت گرفته از فرهنگ را می‌توان به عنوان عامل مستعدساز، در رأس عوامل پدیدآورنده طلاق به شمار آورد (اسکندری‌نژاد و فتحی آشتیانی، 1400، ص53).

برعکس مطالعات در شیراز، در مطالعه فراتحلیل نیازی و همکاران (1397، ص177) عوامل فرهنگی، در افزایش طلاق مؤثرتر است و پس از آن، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی و عوامل فردی، دارای تأثیر بر میزان طلاق می‌باشند. احتمالاً به این دلیل که بیشتر پژوهش‌ها در زمینه روان‌شناسی بوده است؛ بنابراین متغیرهای ارتباطی زوجین و شخصیتی، بیشتر از دیگر عوامل، پژوهش شده است و دیگر متغیرهای دخیل در طلاق، مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. متغیرهای فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی به عنوان علل و متغیرهای مرتبط با طلاق، بسیار کم در پژوهش‌ها مورد سنجش قرار گرفته‌اند؛ بنابراین نقش کمتری در تبیین طلاق پیدا کرده‌اند.

به هر حال به نظر می‌رسد که متغیرهای یاد شده، نقش مهمی در تبیین طلاق ایفا می‌کنند که در پژوهش‌های مختلف، نادیده گرفته شده‌اند. پژوهش حاضر نشان داد که به صورت جزئی‌تر، عوامل مسائل جنسی و مسائل سلامت روان، بیشترین فراوانی را در متغیرهای مرتبط با طلاق داشته‌اند و عدم مهارت‌های زندگی، عدم شناخت قبل از ازدواج و ازدواج ناهمسان، دخالت اطرافیان و تغییر ارزش‌های اجتماعی نیز به ترتیب، بیشترین فراوانی را در عوامل طلاق و گرایش به آن داشته‌اند.

براساس یافته‌ها، متغیر مسائل جنسی و سلامت روان، نقش غیرقابل انکاری بر طلاق دارند؛ البته توجه به این نکته نیز ضروری است که مسائل خانواده، مسائلی پیچیده

است. آمارها نشان می‌دهند که یکی از عوامل مؤثر و اصلی در طلاق، مسائل جنسی است که می‌تواند به صورت عدم سازگاری زناشویی بروز کند و دلایل مختلف روحی - روانی یا پزشکی دارد (غدیری و فروتن، 2009). همسو با این پژوهش، بوالهروی و همکاران (1391، ص 83) نشان دادند که مهم‌ترین علل تقاضای طلاق در تهران، به ترتیب شامل علل روانی (96٪/3)، عوامل جنسی (88٪)، عوامل فرهنگی و اجتماعی (87٪/3)، خشونت (84٪/3) و عوامل اقتصادی (80٪/3) است.

البته توجه به این نکته ضروری است که مسائل جنسی و سلامت روان می‌توانند هم به عنوان یکی از علل اختلافات و هم به عنوان نتیجه اختلافات در زندگی مشترک نقش بازی کنند؛ بنابراین برای فهم دقیق‌تر نیاز به تحقیقات کیفی در این زمینه نیز می‌باشد تا مشخص شود که مسائل جنسی و سلامت روان، کدام نقش را بیشتر در اختلافات ایفا می‌کنند.

منظور از عامل سلامت روان، مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی است که در برابر حوادث فشارزای زندگی به عنوان سپری محافظ عمل کرده و کمک می‌کند که افراد، در این موقعیت‌ها کارکرد بهتری داشته باشند. حالتی از توانمندی و بهزیستی که به فرد توانایی لازم برای مقابله با تنش‌های روزمره زندگی را می‌دهد (عزی و همکاران، 2022). مسائل جنسی شامل عدم رضایت جنسی، مشکلات و انحرافات جنسی و عدم صمیمیت جنسی می‌شود.

همچنین اسماعیل‌زاده و بقایی (1393، ص 1) در مرور سیستماتیک خود نشان دادند که متغیر «عدم تفاهم، تعارضات فکری و اخلاقی زوجین» مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر طلاق بوده است. همچنین میزان برآورده نشدن نقش انتظارات از همسر (تناقض نقش)، عدم شناخت و شناخت کم از همسر در قبل از ازدواج، نارضایتی زناشویی (عدم رضایت از زندگی جنسی)، اعتیاد، ضعف در برقراری رابطه اجتماعی با همسر، دخالت نابجای پدر و مادر و سایر افراد دو فامیل، ضعف مهارت‌های رفتاری زوجین، سست شدن باورهای مشترک و بحران ارزش‌ها (توجه به منافع فردی) به عنوان سایر متغیرهای تأثیرگذار بر طلاق معرفی شدند.

همچنین محمدپناه و شیرزاد (1393) یکی از علل طلاق را عدم شناخت کافی در انتخاب همسر می‌دانند و نشان دادند که با افزایش مدت شناخت و میزان شناخت همسر

قبل از ازدواج، از گرایش زنان به طلاق کاسته می‌شود.

براساس نظریه شبکه، دخالت اطرافیان در زندگی زوجین، یک عامل تأثیرگذار بر طلاق است؛ به‌گونه‌ای که زوج‌هایی که بدون کمک والدین به صورت مستقل زندگی می‌کنند، از شانس بیشتری برای دوام زندگی زناشویی برخوردارند (اسماعیل زاده بقایی و عمیدی، 1393، ص20). در این پژوهش، تغییر ارزش‌های اجتماعی نیز به عنوان یکی از علل طلاق مطرح شده است. منظور از تغییر ارزش‌های اجتماعی، تغییرات ارزشی و هنجاری در مورد ازدواج و طلاق است؛ مانند تصور مثبت به طلاق، تنزل ازدواج از پیوندی مقدس به تعهد شخصی، اهمیت یافتن عشق رمانتیک، گرایش به ارزش نو، انگیزه‌های ازدواج و... این تغییر در ارزش‌های اجتماعی، طلاق را از شکل تابوگونه‌ای آن در گذشته خارج کرده است. امروز نگرش افراد به طلاق، سهل‌گیرانه‌تر است.

در مجموع با توجه به نتایج تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که طلاق به عنوان یک آسیب اجتماعی، نیازمند توجه و مداخله همه ارگان‌ها و سازمان‌های مربوط، از جمله صدا و سیما، آموزش عالی، آموزش و پرورش، دادگستری، وزارت بهداشت و سازمان بهزیستی می‌باشد.

7. پیشنهادهای پژوهش

الف. ساماندهی پژوهش‌ها:

1. با توجه به پراکندگی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه طلاق، بویژه پایان‌نامه‌های تحصیلی، پیشنهاد می‌شود که این مطالعات به صورت نظام‌مند و منسجم ساماندهی شوند. این ساماندهی می‌تواند شامل انتخاب موضوعات مطالعاتی مناسب، تدوین اهداف و فرضیات روشن، طراحی روش‌های پژوهشی استاندارد، استفاده از ابزارهای معتبر، تحلیل دقیق داده‌ها و ارائه راهکارهای عملی باشد.

ب. گسترش عوامل مورد بررسی:

2. یافته‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌های موجود، عمدتاً به عوامل فردی و زوجی طلاق توجه کرده‌اند و به عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، کمتر پرداخته شده است؛ بنابراین در پژوهش‌های آتی لازم است این متغیرها نیز دیده و تحلیل شوند تا تصویری جامع از علل طلاق ارائه گردد.

ج. کاربرد نتایج در مشاوره و پیشگیری:

3. پیشنهاد می‌شود که مسئولین مراکز مشاوره و آموزش خانواده، علاوه بر شناسایی علل طلاق، از یافته‌های پژوهش‌های سیستماتیک در طراحی برنامه‌های پیشگیری و مداخلات آموزشی و فرهنگی بهره‌مند شوند تا اثربخشی فعالیت‌ها افزایش یابد.

منابع:

۱. آقای، ابراهیم، 1394، مطالعه تجربه زیسته مردان و زنان طلاق گرفته شهر شیراز، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۲. ابراهیمی منش، مریم، 1395، کاوشی در فرایند وقوع پدیده طلاق: ارائه یک نظریه زمینه‌ای (جامعه آماری زنان مطلقه و متقاضی طلاق شهر شیراز)، *رساله دکتری*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی.
۳. اسکندری نژاد، خدیجه و فتحی آشتیانی، علی، بهار و تابستان، 1400، بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در دهه اخیر (مرور سیستماتیک)، *مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، 8(14)، ص 53-86.
۴. اسماعیل زاده، علی اصغر و بقایی، علی، عمیدی، شهلا، خرداد 1393، مرور سیستماتیک تحقیقات انجام شده در زمینه طلاق، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، 14(27)، ص 117-132.
۵. امینی، زهرا، 1399، نقش میانجی معنای زندگی در رابطه تاب‌آوری خانواده و گرایش به طلاق، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۶. بخشی زنجیرانی، نجمه، 1395، بازدارنده‌ها و تسهیل کننده‌های طلاق از دیدگاه زنان متأهل و مطلقه شهر شیراز، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی.

۷. برزنده، زهرا، 1403، پیش‌بینی عوامل بروز طلاق براساس عاطفه مثبت و منفی و سبک زندگی اسلامی در زوج‌های جوان، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه گاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان.
۸. برجوند، آوات، شیرمحمدی، داود و قریشی، فردین، فروردین 1393، فهم عوامل طلاق از منظر مردان و زنان در معرض طلاق و طلاق گرفته - مطالعه موردی شهر سقز، *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی*، 3(1)، ص 19-30.
۹. بوالهری، جعفر و همکاران، مهر 1391، بررسی برخی علل منجر به تقاضای طلاق در زوجین متقاضی طلاق در دادگاه‌های تهران، *مجله اپیدمیولوژی ایران*، ۸ (۱)، ص ۸۳-۹۳.
۱۰. پالایش، آسیه، 1396، مقایسه بیانگری هیجانی و سبک‌های حل تعارض در زوجین متقاضی طلاق و زوجین رضایت‌مند، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شیراز، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
۱۱. توکلیان، محبوبه، 1400، مقایسه کیفیت رابطه زناشویی، بدکاری جنسی و احقاق جنسی در زنان متقاضی طلاق و زنان عادی در شهر شیراز، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۱۲. جهانیان، حمیده، 1403، پیش‌بینی گرایش به طلاق براساس آسیب‌های دوران کودکی و باورهای غیرمنطقی در زنان متأهل شهر شیراز، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم انسانی.
۱۳. حسامی، شبنم، 1402، مقایسه ترس از صمیمیت، تفکرات قطعی‌نگر و کارکرد خانواده در زنان متقاضی طلاق با زنان عادی شهر شیراز، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه پیام نور استان فارس، مرکز پیام نور شیراز.

۱۴. حسنی، رضا و قدرتی، حسین و امیرپور، مهناز، پاییز ۱۳۹۳، پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه شهر مشهد (یک پژوهش کیفی)، *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۱، ۴۲، ص ۳۳-۴۹.
۱۵. حسینی، سیده نرگس، ۱۴۰۲، ارائه مدل ساختاری تفسیری عوامل مؤثر در طلاق زوجین در شهر شیراز، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان.
۱۶. خیاط غیاثی، پروین و معین، لادن و روستا، لهراسب، پاییز ۱۳۸۹، *زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)*، ۱، ۳، ص ۷۷-۱۰۳.
۱۷. روشنی، شهره و تافته، مریم و خسروی، زهره، دی ۱۳۹۸، فراتحلیل پژوهش‌های طلاق در ایران در دو دهه اخیر (۱۳۷۷-۱۳۹۷) و ارائه راهکارهای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن برای زنان و فرزندان، *زن در توسعه و سیاست*، ۸، ۱۷(۴)، ص ۶۵۳.
۱۸. سیفی فارسی، صدیقه، ۱۳۹۶، مطالعه نقش بازدارندگی مهریه در وقوع طلاق (مطالعه تطبیقی زنان مطلقه و همسر دار شهر شیراز)، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه یزد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی.
۱۹. شمس، الهام، ۱۳۹۳، مقایسه نارسایی هیجانی، کمال‌گرایی و سبک‌های دفاعی زنان متعارض، متقاضی طلاق و عادی، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۲۰. شیروانی، ابراهیم، ۱۳۹۵، پیش‌بینی ناپایداری ازدواج براساس طرحواره‌های جنسیتی زوجین متقاضی طلاق، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۲۱. صادقی فسایی، سهیلا و ایتاری، مریم، مهر ۱۳۹۱، تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق؛ مطالعه کیفی، *زن در توسعه و سیاست*، ۱۰(۳)، ص ۵-۳۰.

۲۲. صدیق سروسرستانی، رحمت الله، بهار و تابستان ۱۳۷۹، فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۵، دانشگاه تهران.
۲۳. عباسی مسلم، درگاهی شهریار و قاسمی جوبنه، رضا، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۷، نقش نارسایی شناختی و نارسایی هیجانی در تعارضات زناشویی زنان در معرض طلاق، *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد*، ۲۰ (۱)، ص ۱-۶.
۲۴. عزیزی، طاهره، ۱۳۸۹، بررسی رابطه رضایتمندی جنسی زنان و گرایش آنها به طلاق؛ مطالعه موردی — زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده و زنان ادامه‌دهنده به زندگی مشترک شهر شیراز، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شیراز.
۲۵. فلک بلند، نیلوفر، ۱۳۹۶، مقایسه تحریف‌های شناختی، بهزیستی روان‌شناختی و سبک‌های مقابله‌ای زنان در حال طلاق و عادی، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان.
۲۶. قاندي، عصمت، ۱۴۰۱، پیش‌بینی گرایش به طلاق بر اساس سرخوردگی زناشویی، تمایز یافتگی خود، رضایت جنسی و ذهن‌آگاهی در زوجین متقاضی طلاق، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۲۷. قصرفخري، مژگان، ۱۳۹۶، مقایسه تحریفات شناختی، حل مسئله و خودابرازی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۲۸. قنبری، ابراهیم، ۱۳۹۳، مقایسه ویژگی‌های شخصیتی، مهارت ارتباطی و توانایی حل مسئله در افراد متقاضی طلاق و عادی شهر شیراز، *پایان‌نامه*

کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

۲۹. کاظمی‌پور، شهلا و خوشنویس، اعظم، خرداد ۱۳۹۲، فراتحلیل مطالعات انجام شده در زمینه سطح، روند و تعیین‌کننده‌های طلاق در ایران و کشورهای منتخب طی سال‌های ۹۰-۱۳۶۵، **مطالعات جمعیتی**، ۱(۱)، ص ۳۳-۵۹.

۳۰. دخدایی، مریم، ۱۳۹۴، مقایسه تحریف‌های شناختی و الگوهای ارتباطی زوجین متقاضی طلاق و عادی شهر شیراز، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

۳۱. کردزنگنه، جعفر و قاسمی اردهایی، علی، مهر ۱۴۰۲، پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه با تأکید بر تفاوت‌های اجتماعی — جمعیتی مرتبط با آن؛ مطالعه‌ای در شهر اهواز، **نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران**، ۱۸(۳۵)، ص ۳۶۳-۳۹۲.

۳۲. کرمی، فرشاد و البرزی، صدیقه، بهار و تابستان ۱۳۹۷، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به طلاق در شهر شیراز، **مطالعات جمعیتی**، ۴(۱)، ص ۱۰۱-۱۲۶.

۳۳. کشتکار، زهرا، ۱۴۰۰، مقایسه کیفیت رابطه زناشویی، کژکاری جنسی و صمیمیت زوجین در زنان متقاضی طلاق و عادی در شهر شیراز، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، مؤسسه آموزش عالی زند - شیراز، دانشکده علوم انسانی.

۳۴. کلانتری، عبدالحسین و روشن فکر، پیام و جواهری، جلوه، مهر ۱۳۹۰، آثار و پیامدهای طلاق؛ مرور نظام‌مند تحقیقات انجام شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی (۱۳۹۰ — ۱۳۷۶)، **زن در توسعه و سیاست**، ۹(۳)، ص ۱۱۱-۱۳۱.

۳۵. لهسایی‌زاده، عبدالحی و احمدی، حبیب و ثروت‌خواه، منیژه، تابستان ۱۳۹۱، بررسی همسان‌همسری و رفتار مرتبط با طلاق؛ مطالعه موردی زنان شهر شیراز، **علوم اجتماعی (آزاد شوستر)**، سال ششم، شماره ۱۷.

۳۶. محسن‌زاده، فرشاد و نظری، علی‌محمد و عارفی، مختار، آذر ۱۳۹۰، مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)، *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۴(۵۳)، ص ۷-۴۲.

۳۷. مؤمنی، مریم و کرمی، فرشاد و بیتا، فاطمه و مقامی، حمید، مهر ۱۴۰۲، بررسی روند دگرگونی‌های شناسه‌های کمی طلاق در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ در استان فارس، *آسیب‌شناسی خانواده*، ۹ (۱)، ص ۱-۲۰.

۳۸. نیازی، محسن و عسکری کویری، اسماء و الماسی، احسان و نوروزی، میلاد و نورانی، الناز، دی ۱۳۹۷، فراتحلیل مطالعات و تحقیقات پیرامون عوامل مرتبط با طلاق در ایران برای دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۶، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۵(۴)، ص ۱۷۷-۲۰۲.

۳۹. Azzi, V., Iskandar, K., Obeid, S., & Hallit, S.(2022). Parental divorce and smoking dependence in Lebanese adolescents: the mediating effect of mental health problems. *BMC pediatrics*, 22(1), 471.

<https://doi.org/10.1186/s12887-022-03523-8>.

۴۰. Ghadiri, M., & Foroutan, S. K. (2009). Sexual dysfunctions, the hidden cause of divorce: the necessity of the presence of a trained physician as a member of family ounseling centers. *Journal of family research*, 4 (16/1 (special issu: acritical review on family support legislation)). 585-608. Sid. <https://sid.ir/paper/122234/en>.